

متن پرسش

چگونه باید متوجه شویم وظیفه مان در این برهه تاریخی چیست؟ سلام بر استاد و زیارت قبول:

ساعت ها پرسش هایی که مخاطبین با حضرت عالی مطرح می کردند در سایت را می خواندم و نکات جالبی بود در سئوالات و جوابها و جرقه ای شد که سؤال ها و مطالبی را که با متخصصین و اهل فن چه دانشگاهی چه حوزوی مطرح کرده بودم و به جایی نرسیده بودم و البته جوابهایی گرفته بودم اما هنوز قلبم اقناع نشده است را با شما مطرح کنم. استاد عزیز هفته ها و ماه هاست که شدیداً فکری من را درگیر کرده است و آن مسئله تحصیلات_اشتغال_ازدواج زنان است. مسئله ای که وجود دارد این است که وظیفه ای که برای خود ساخته ایم و می خواهیم آن را با وظایف زن و... جمع کنیم و یا وظیفه ای که الهی است (شبيه مثالی که سنگه رو طلا گرفته اند و یا سنگ طلا بوده است) و این مسئله ای هست که شدیداً دغدغه ی ذهنی حقیر شده است و با مطالعه و مشاور و حل نشده است که هر کسی از ظن خود شد یار من. استاد عزیز سئوالی که از شما داشتم این است که آیا زنان مسیری را نرفته اند و بعد از آن در میان راه سؤال می کنند و می خواهند مشکل خود را حل کنند و شما و مرجع و هر فرد دیگری هم با فرمونی که رفته اند مجبور هستید به آنها پاسخ دهید؟ واضح تر بگویم: به یکی تقسیم بندی بندی زنان ما بعد از سالها دانشگاه رفته اند و بعد رشته ای که در آن هستند را به آن علاقه دارند و می خواهند تا آخر ادامه دهند و خدمتی انجام دهند الهی و انقلابی و طعم دانشگاه و خدمت و علاقه و سرگرمی و.... آن زیر دهانشان می رود و بعد در همین حین سئوالات و شبهات و درگیری ها و تزاخم ها و تناقض هایی برای آنها شروع می شود. الف: این که نکند من وظیفه داشته باشم هجرت کنم به حوزه؟ بعد استفتا هم بکنند مرجع در چنین پازلی به آنها صرفاً چند تا توصیه می کند و در آخر می گوید دانشگاه را ادامه بدید و بعضاً بالعکس. ب: بحث اشتغال و ارتباط با نامحرم و...؟ که باز هم بحث بر سر این می شد که شرایط امروزی دیگر چنین است و نمی شود کاری کرد و باید شما رعایت کنید و صرفاً توصیه ای که شرایطی را خودتان باید نگاه دارید و... پ: بحث تدریس دانشگاه و محیط مختلف آن و...؟ ت: جمع کردن درس و اشتغال با خانه داری و شوهر داری و فرزند داری و...؟ اولویت با کدام است و...؟ که این هم با توجه به شرایطی که مطرح شد یا باید فرزند خود را مهد بگذارد که اشکال دارد پس مهد قرآن باید بگذارد!! و یا نیمی از روز را فرزند را در اختیار مادر بزرگ ها و پدر بزرگ ها گذاشت و تربیتی که خوبی ها و معایب خود را دارد و.... تازه استرس ها و اضطراب ها و سختی ها را با برچسب خیالی خدمت کردن و انقلاب و تمدن سازی سختی هایی را هم دارد باید توجیه کرد و به آن جواب داد. ث: بحث ازدیاد نسل و نگه داری آن و

وظیفه ما الان چیست با این همه کاری که برای خودمان ساخته ایم و روی زمین وجود دارد مگر می شود؟ خلاصه بحث های دیگه ای هم که مطرح می شود و ما توجه نمی کنیم به نظرم که فرمان از اول اشتباه بوده است و هر چه جلو تر می رویم مجبور به درپوش گذاشتن می شویم (شبهه بحث حجاب و چادرهای مدل دار و زندگی های مصرف گرایی ارزشی و با اسم گذاری های وهمی خودمان و استفاده از احادیث برای توجیه کردن خودمان). ان شا الله تونسته باشم قسمتی از منظورم را رسانده باشم که داستان از این هم به نظرم پیچیده تر است و زبان حقیر هم الکن و باید موضوع شناسی اساسی در این موضوع شود و با روش شناسی اساسی و گرنه هر جوابی که در این مورد ما بدهیم و یا هر صحبتی که ما در این مسئله بکنیم یا فایده ای ندارد و یا این که صرفاً در شرایط موجود و با توجه به پازلی که خودمان چیده ایم مطرح می کنیم و شخص جواب گو هم راه دیگری ندارد. ممنون می شم که این سردرگمی را که ماه هاست دچار آن هستم با سخنان حکیمانه تان کمکی به این حقیر کرده باشید. (زیرا در شرایطی صرفاً نظری نیستم شرایط فعلی ام ساحت عمل و انتخاب همسر هستم و گیج نظریه ها و اشخاص و قیل ها) پوزش طولانی شد، معلم صبور و زحمت کش. خدا قوت. با تشکر.

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: همان طور که متوجه اید در شرایطی هستیم که هنوز تعریف درستی مطابق این تاریخ از «زن» نداریم □ نه زنان و نه مردان نمی دانند پدیده ی امروزی زن را چگونه باید بفهمند - باید تلاش کرد فهمی همه جانبه نسبت به زنان در این تاریخ داشت. کتاب «زن؛ آن گونه که باید باشد» شروعی جهت چنین تلاشی است. زیرا همچنان که قبلاً عرض شد «زن» گمشده ی این تاریخ است. در این رابطه بد نیست سری به جواب سؤال های شماره ی ۱۰۸۳۷ و ۶۲۷۵ و ۱۰۸۹۷ بزنید. موفق باشید